

تاریخ و تمدن اسلامی، سال سیزدهم، شماره بیست و پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۰۱-۱۲۰

سفرنامه وُلنی و تأثیر آن در لشکرکشی ناپلئون بناپارت به مصر^۱

سید کمال کشیک‌نویس^۲

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

عبدالله همتی گلیان^۳

دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

گزارش سفر کنستانتین وُلنی به مصر و شام (۱۷۸۳-۱۷۸۵م)، یکی از سفرنامه‌های مشهور سده هجدهم است. وُلنی در این سفرنامه به‌ویژه در بخش مصر آن، آگاهی‌های مهمی در زمینه‌های گوناگون، از قبیل حاکمان مصر، آب و هوا، تجارت، معیشت مردم و... به دست داده است. مقاله حاضر پس از ارائه داده‌های سفرنامه وُلنی از مصر و تحلیل آنها، بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که اطلاعات این سفرنامه چه تأثیری در لشکرکشی ناپلئون به مصر و عملکرد او در این سرزمین داشته است؟ به نظر می‌رسد که گزارش‌های وُلنی درباره مصر نسبت به اطلاعات سیاحان پیشین، جدیدتر و دقیق‌تر بوده، از این رو ناپلئون در لشکرکشی به مصر از آن به‌مثابه متن راهنما بهره برده باشد.

کلیدواژه‌ها: ناپلئون بناپارت، وُلنی، سفرنامه، مصر.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۱۲

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): k.razavi1985@gmail.com

۳. رایانامه: hemati@um.ac.ir

مقدمه

مصر در زمان حمله ناپلئون، برای اروپایی‌ها شناخته شده بود؛ بسیاری از مسافران، حتی از دوران یونان و روم باستان، گزارش‌هایی از سفر خود منتشر کرده بودند. در اوایل سده هجدهم، سفرنامه‌نویسی بیش از پیش رواج یافت و گزارش‌های مسافرانی چون پل لوکاس،^۴ ریچارد پوکوکه،^۵ فردریک لودویگ نوردن،^۶ جیمز بروس،^۷ ریچارد دالتون،^۸ فرانسوا ولنی و دیگران،^۹ به مثابه اسناد و مدارک دست اول در تاریخ‌نگاری و دیگر زمینه‌های مرتبط با علم، قلمداد شد.

کنستانتین فرانسوا شاسبوف ولنی،^{۱۰} به عنوان شخصیتی سیاسی در پایان سده هجدهم فرانسه و نویسنده‌ای تأثیرگذار بر جریان رومان‌تیسیم سده نوزدهم، نظر پژوهشگران اروپایی را به خود جلب کرده است. آثار وی از منظر سیاسی و علمی بارها بررسی شده و درباره تأثیر وی بر سیاست^{۱۱} و علم به‌ویژه دانش زبان‌شناسی^{۱۲} آثار مستقلی نوشته شده است. سفرنامه وی و تأثیری که داده‌های این سفرنامه در جلب توجه ناپلئون به مصر داشته، از نظر پژوهشگران اروپایی نیز مغفول نمانده است. برای نمونه می‌توان به مقاله «شرق‌شناسی و ایدئولوژی: معرفی اسکندریه به قلم ولنی و دونون»^{۱۳} «جنبه‌های علمی-فلسفی و

-
4. Paul Lukas
 5. Richard Pococke
 6. Fredrick Ludwig Norden
 7. James Bruce
 8. Richard Dalton
 9. Siliotti, 37-79.
 10. Constantin François de Chassebœuf, Comte de Volney.
 11. Jean Gaulmier's L'Ideologue Volney, Slatkine Reprints, 1980; Gilbert Chinard, "Volney et L'Amerique", Johns Hopkins Press, 1923.
 ۱۲. فعالیت‌های ولنی در زمینه زبان‌شناسی به قدری مؤثر بوده که از ۱۸۰۳ جایزه‌ای به یادبود وی برای مطالعات تطبیقی زبان‌شناسی طراحی شده است. نک. Leopld, vol.1a, p.83.
 13. Sarga, 165-177.

پیامدهای جغرافیایی اثر ولنی»؛^{۱۴} «مردی از [دوران] روشنگری در مواجهه با زبان‌های جنوب مدیترانه یا ولنی و روش الفبایی اش»^{۱۵} اشاره کرد. در اندک زمانی پس از انتشار، این سفرنامه از زبان فرانسوی به زبان‌های گوناگون ترجمه شد. نخستین ترجمه آن به زبان انگلیسی در ۱۷۸۷ و ترجمه به آلمانی هم در سال بعد انتشار یافت. هم‌چنین از ۱۷۹۹ ترجمه‌هایی از این سفرنامه به زبان‌های هلندی و ایتالیایی در دسترس است. این سفرنامه دو بار به زبان عربی ترجمه شده است: نخست، ترجمه ادوارد بستانی^{۱۶} (۱۹۴۹) و دیگری برگردان حبیب سیوفی که فقط بخش سوریه را ترجمه کرده است.^{۱۷} این ترجمه‌ها از مراجع پژوهشگران عرب برای نگارش تاریخ محلی مصر و شام بوده است.^{۱۸} در زبان فارسی تاکنون اثری مستقل درباره معرفی و بررسی آثار ولنی تدوین نشده و بیشتر بر اساس موضع‌گیری‌های ادوارد سعید در کتاب مشهورش شرق‌شناسی، به اشاراتی گذرا درباره ولنی و سفرنامه‌اش اکتفا شده است.^{۱۹} سعید در این باره می‌گوید: «آنچه کمتر دانسته شده، وابستگی پیشین ناپلئون به سفرنامه‌ای است به مصر و شام که در ۱۷۸۷ منتشر شده است...؛ ولنی، فرانسوی زیرکی بود که به شرق نزدیک، چون مکانی برای تحقق اهداف استعماری

14. Raffaele Carbone, "Aspects philosophico-scientifiques et implications politiques des ouvrages géographiques de Volney (1757-1820)", This paper was presented at the Colóquio internacional Conhecimento e ciência colonial, Fábrica de Braço de Prata, Lisbon, 26th-29th November 2013.

15. Henri Besse, "Un homme des Lumières face aux langues du sud de la Méditerranée, ou Volney et sa méthode alfabétique", Documents pour l'histoire du français langue étrangère ou seconde [En ligne], 28/ 2002, mis en ligne le 31 janvier 2014, consulté le 01 octobre 2016.

۱۶. فولنی، س.ف.، ثلاثة أعوام في مصر و بلاد الشام، ترجمه إدوارد البستاني وزارة التربية الوطنية والفنون، بيروت، ۱۹۴۹م.

۱۷. همو، قسطنطين فرنسوا، سوريا و لبنان في القرن الثامن عشر، ترجمه حبیب السیوفی، صیدا، ۱۹۴۹م.

۱۸. نک. الحسنات، ۲، ۳۲، ۴۶۱ - ۴۷۴؛ مراد الدباغ، مصطفی، بلادنا فلسطين، دارالهدی، کفرقرع، ۱۹۹۱م.

۱۹. همتی گلیمان، ۹۳.

فرانسه می‌نگریست».^{۲۰}

نگاهی گذرا به زندگی ولنی

ولنی^{۲۱} (۱۷۵۷-۱۸۲۰)، مورخ، شرق‌شناس، فیلسوف، سیاستمدار فرانسوی و طرفدار الغای برده‌داری بود. وی در خانواده‌ای نجیب‌زاده در کراون^{۲۲} به دنیا آمد. در ابتدا، وی عنوان خانوادگی پدرش بواژیر را داشت، ولی بعداً با ترکیب «ول» از آغاز نام ولتر و «نی» از آخر نام فرنی، عنوان ولنی را برای خود ساخت. ولنی تحصیلاتش را با مطالعه قانون آغاز کرد، اما چون به حرفه وکالت بر رغم محبوبیت فراگیر این شغل در آن روزگار علاقه‌ای نداشت، به مطالعه درباره زبان‌های کلاسیک روی آورد و کارش درباره «تاریخ هرودوت»، وی را به فرهنگستان کتیبه‌شناسی و زبان‌های باستانی فرانسه و حلقه پیرامون کلود آدرین هلوسیوس^{۲۳} کشاند. پس از آن ولنی با کسانی چون پی‌یر ژان ژرژ کابانیس^{۲۴}، مارکی دو کندورسه^{۲۵} و بنجامین فرانکلین^{۲۶} رابطه دوستی برقرار کرد؛ گفته می‌شود ذهن عاری از تعصب فرانکلین به خصوص در زمینه اعتقادات مذهبی، بر ولنی تأثیر عمیقی گذاشت.^{۲۷}

ولنی در نیمه سده هجدهم با توجه به وضع نابسامان امپراتوری عثمانی و شاید عوامل دیگر، تصمیم گرفت به شرق سفر کند. وی به مدت یک سال خود را برای این سفر آماده می‌کرد: او زبان عربی را در کالج سلطنتی نزد میکال آنژ آندره^{۲۸} آموخت.^{۲۹} هم‌چنین جلد

20. Said, 81.

21. Volney, C.-F. (Constantin-François).

22. Craon

23. Claude Adrien Helvétius (1715-1771).

24. Pierre Jean Georges Cabanis

25. Marquis de Condorcet

26. Benjamin Franklin

27. Hunt, 158-162.

28. Michel-Ange-André Le Roux Deshauterayesyes (1724-1795).

29. Pouillon, 969.

دوازدهم کتاب دوپویی، دین جهانی یا منشأ همه ادیان^{۳۰} را خوانده و در تدوین سفرنامه‌اش هم از آن بهره برده بود؛^{۳۱} هرچند از آن یاد نکرده است. او سرانجام در ماه‌های آخر ۱۷۸۲، با یک کوله‌پشتی، یک تفنگ و شش هزار پوند طلا که از پدرش به ارث برده بود، روانه مصر و سوریه شد؛ سرزمین‌هایی که در آن روزگار، مهد تفکرات مذهبی بود. او هفت ماه در مصر زیر سلطه عثمانی به سر برد. هم‌چنین به مدت دو سال در منطقه سوریه، لبنان و فلسطین امروزی، برای یادگیری زبان و فرهنگ و آداب عربی زندگی کرد. وی پس از بازگشت به فرانسه در ۱۷۸۵، یادداشت‌های خود را با عنوان «سفر به مصر و سوریه»، تنظیم و در ۱۷۸۷ منتشر کرد. در ۱۷۸۸ نیز کتابی با عنوان ملاحظاتی درباره نبرد ترکان و روس‌ها^{۳۲} منتشر کرد. او پس از وقوع انقلاب فرانسه، به عضویت مجلس «املاک کل» و مجلس «مؤسسان ملی» در آمد. در سال ۱۷۹۱ مقاله‌ای در فلسفه تاریخ با عنوان «خرابه‌ها یا تأملاتی در انقلاب‌های امپراتوری‌ها»^{۳۳} منتشر کرد که حاوی چشم‌اندازی است که در آن اتحاد نهایی همه ادیان را که ناظر بر معتبر دانستن حقیقت مشترک اساسی در همه آنهاست، پیش‌بینی کرده است. ولنی می‌خواست نظرات اقتصادی‌اش را در جزیره کورس^{۳۴} اجرایی کند، از این رو در ۱۷۹۲ ملکی در آنجا خرید و به کشت محصولات گوناگون مشغول شد. او در پی پیروزی گروه ژاکوبین^{۳۵} به زندان افتاد، اما از گیوتین جان سالم به‌در برد و برای مدتی معلم تاریخ در مدرسه تازه‌تأسیس «اکول نرمال»^{۳۶} بود.

30. religion universelle ou l'origine de tous les cultes.

31. Thompson, 199.

32. Considérations sur la guerre des Turcs et de la Russie.

33. Les Ruines, ou méditations sur les révolutions des empires.

34. Corsica

35. Jacobin, Société des amis de la Constitution.

انجمن دوستدار قانون اساسی یا حزب ژاکوبین که در انقلاب کبیر فرانسه نقش مهمی داشتند (ماله، ۴۱۰).

36. L'École normale supérieure.

ولنی در ۱۷۹۵ عضو فرهنگستان فرانسه^{۳۷} گردید و مطالعات شرقی را پی گرفت و با کمک الکساندر همیلتون، زبان‌شناس انگلیسی، به یادگیری زبان سانسکریت مشغول شد. هم‌چنین در اواخر همان سال سفری به ایالات متحده داشت؛ در آنجا ولنی از طرف دولت جان آدامز به جاسوسی برای فرانسه متهم شد؛ در نتیجه در ۱۷۹۷ او را به فرانسه بازگرداندند. وی نتایج این سفرش را در کتاب نمودار آب و هوا و خاک ایالات متحده^{۳۸} در ۱۸۰۳ منتشر کرد. او در پاریس درگذشت و در گورستان لازشه^{۳۹} به خاک سپرده شد.

باید یادآوری کرد مدت‌ها پیش از ولنی فرانسویان به قصد آشنایی با مصر به آنجا سفر کرده و اطلاعاتی از این سرزمین را به اروپا منتقل کرده بودند؛ از جمله پوستل که در ۱۵۳۴ به مصر سفر کرده و از آنجا به استانبول رفته و به مدت دو سال در باب عالی، سفیر فرانسه بود.^{۴۰} از وی سفرنامه‌ای در وصف شهر قاهره در دست است.^{۴۱} هم‌چنین دورریز^{۴۲} به مدت یک سال (۱۶۳۰) امور کنسولی فرانسه در مصر را بر عهده داشته است.^{۴۳}

ظاهراً ولنی کوشیده است از تکرار نظرات پیشینیان و هم‌عصران خود بپرهیزد و مطالب نادرست آنها را بر اساس مشاهدات خود، اصلاح کند؛^{۴۴} مثلاً به نظرات ساواری،^{۴۵} اشاره

37. Académie française

38. *A View of the Soil and Climate of the United States of America.*

39. Lachaise

۴۰. بدوی، ۱۳۵.

۴۱. عقیقی، ۱/۱۷۲.

42. Andre du Ryer (1580-1660).

۴۳. بدوی، ۳۲۷.

44. Volney, 1/5-6.

۴۵. کلود-اتی‌ین ساواری (Claude-Étienne Savary) خاورشناس فرانسوی و یکی از مترجمان قرآن به زبان فرانسوی است. او در ۲ اکتبر ۱۷۴۹ در شهر ویتزه فرانسه، به دنیا آمد و تحصیلاتش را در همان‌جا پی گرفت. در سال ۱۷۷۶ به مصر سفر کرد و این سفر تا سال ۱۷۸۱ به درازا انجامید و مدتی در اسکندریه، رشید و قاهره ماند و در همان‌جا بود که زیر نظر مسلمانان، ترجمه قرآن را آغاز کرد. به مدت دو سال نیز به یونان سفر کرد و در رودس و کاندیا ماند. ترجمه قرآن او در ۱۷۸۳ منتشر شد. وی در ۴ فوریه ۱۷۸۸ درگذشت. Michaud, 109.

کرده و برخی از تفاوت‌ها و نیز نواقص کار وی را برشمرده است.^{۴۶} بیشتر خوانندگان سفرنامه ولنی از افسران عالی‌رتبه و دانشمندان همکار با ارتش فرانسه بوده‌اند،^{۴۷} از همین رو، وی را «کریستف کلمب جدید» نامیده‌اند. ولنی با خوانشی دقیق از آثار پیشینیان، کوشیده تا توصیفی دقیق و روشن از مصر ارائه کند، به همین دلیل ده سال بعد در زمان حمله ناپلئون، اهمیت کار او مشخص شد؛ به‌ویژه بخش‌هایی از سفرنامه‌اش که به تشریح راه‌های تجاری سوریه و مصر و مختصات جغرافیایی و استراتژیک این مناطق پرداخته بود. آثار ولنی به‌ویژه سفرنامه‌اش، در شکل‌گیری جریان رمانتیسم نیز مؤثر بود؛^{۴۸} کسانی چون شاتوبریان^{۴۹} که از بنیان‌گذاران این جریان در فرانسه بود، در آثار خویش از ولنی اقتباس کرده‌اند.^{۵۰} ژرارد نوروال^{۵۱} از نویسندگان عصر رمانتیک، نیز تحت تأثیر ولنی، آثاری خلق کرد.^{۵۲} جان لوئیس اسلین دو شرویلی^{۵۳} نوشته است که پیش از عزیمت به مصر، برای آشنایی با آنجا، آثار ولنی را مطالعه کرده بوده است.^{۵۴}

ولنی و ناپلئون

ناپلئون که خود زاده گرس^{۵۵} بود، از تحرکات ملی‌گرایانه کرسیان طرفداری می‌کرد و در آغاز از معترضان تصرف کرس توسط فرانسویان بود. او پس از انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ به مدت دو سال از خدمت نظامی کناره‌گیری کرد و در این مدت در پاریس و کرس اقامت

46. Ibid, 19, 22.

47. Spieth, 49.

48. Pouillon, 553.

49. francois rene de chateaubriand (1768-1848).

50. Ibid, 203.

51. Gerard Nerval (1808-1855).

52. Ibid, 718.

53. Jean-louis asselin de cherville (1772-1822).

54. Ibid, 25.

55. La Corse

داشت. بناپارت پشتیبان مستقیم ژاکوبین‌ها بود و فرماندهی دسته‌ای از شبه‌نظامیان کرس را برعهده داشت. در همین زمان در ۱۷۹۴، با ولنی ملاقات کرد؛ در این برهه، ولنی از سفر شرق بازگشته و در کرس به اقدامات کشاورزی و آموزشی مشغول بود.^{۵۶} ناپلئون در دورانی که در اکسن^{۵۷} بود، سفرنامه ولنی را مطالعه کرده بود؛^{۵۸} او بعدها در خاطرات روزانه‌اش در مصر، به بررسی دقیق مشاهدات ولنی در طول اقامتش در آنجا اشاره کرده و آنها را هوشمندانه توصیف کرده است.^{۵۹} ولنی طرفدار ناپلئون بناپارت نبود، اما چونان بسیاری از لیبرال‌های متوسط، از خدمات نخستین امپراتوری فرانسه تأثیر پذیرفته بود. بر همین اساس در آثار او ردی از ادبیات ایدئولوژیک توجیه‌گرانه در تبیین و تفسیر امپریالیسم اروپا و نیز تهاجم ناپلئون به مصر را می‌توان بازجست. گفته شده نقشه مصر ولنی، از مهم‌ترین ابزارهای راهنمای ناپلئون بوده است.^{۶۰}

ناپلئون پس از بررسی اوضاع نظامی، به این نتیجه رسید که نیروی دریایی فرانسه، توانایی مقابله با نیروی دریایی بریتانیا در کانال مانس را ندارد، به همین دلیل تصمیم گرفت از طریق تصرف مصر، به منافع اقتصادی بریتانیا به ویژه در هند ضربه بزند؛^{۶۱} از این رو در ماه مه ۱۷۹۸ رهسپار مصر شد. یکی از جنبه‌های غیرمعمول حمله به مصر، گنجاندن تعداد زیادی از دانشمندان و محققان در کنار نیروهای نظامی فرانسه است. این هیأت همراه را برخی، نشانه تعهد ناپلئون به اصول روشنگری دانسته‌اند و عده‌ای دیگر آن را نوعی هنرنمایی تبلیغاتی به منظور افزایش قدرت وی تعبیر کرده‌اند. این هیأت ۱۶۷ نفری شامل گروهی مهندس، هنرمند، زمین‌شناس، ریاضیدان، شیمیدان، فیزیکدان، گیاه‌شناس و... از اعضای

56. Gaulmier, 253-254.

57. Auxonne

58. Asprey, 50.

59. Bonaparte, 3/25.

60. Cole, 45.

61. Roberts, 33.

کمیسیون علوم و هنرها^{۶۲} بودند. هدف اصلی آنها کمک به ارتش فرانسه به ویژه برای باز کردن کانال سوئز، نقشه برداری از جاده‌ها و راه اندازی کارخانه‌هایی برای تأمین مواد غذایی بود.^{۶۳}

ناپلئون و ارتش وی در اول ژوئیه به اسکندریه رسیدند. در ۲۱ ژوئیه نبرد اهرام بین فرانسویان از یک سو و ممالیک مصر و نیروهای امپراتوری عثمانی از سوی دیگر درگرفت که با پیروزی فرانسویان خاتمه یافت؛ اما در اول ماه اوت همان سال نیروی دریایی بریتانیا موفق شد در نبرد نیل به فرماندهی هوریشیو نلسون^{۶۴} ضربه سنگینی به ناوگان فرانسه وارد کند.^{۶۵} این شکست، رؤیای ناپلئون برای حضور قدرتمند در مصر را به چالش کشید. بعداً در اوایل ۱۷۹۹، ناپلئون نیروهای خود را به سمت دمشق راند و با ۱۳۰۰۰۰ سرباز تحت امر خود موفق شد شهرهای بندری عریش، غزه، یافا و حیفا را به تصرف درآورد. در این میان تصرف یافا بسیار بی‌رحمانه بود.^{۶۶} به دلیل تلفاتی که در اثر بیماری به لشکر ناپلئون وارد شد، سپاه وی موفق به تصرف عکا نشد و در ماه مه به سوی مصر عقب نشست. از طرف دیگر، حکومت هیأت مدیره در پاریس هم که غرق در فساد و گرفتاری‌های داخلی خود بود، نمی‌توانست کمکی به ناپلئون برساند. ناپلئون سرانجام تصمیم گرفت به فرانسه باز گردد و پس از شکستن خط محاصره ناوگان جنگی انگلیس (اواخر اوت ۱۷۹۹) راهی فرانسه شد.^{۶۷}

62. Commission des Sciences et des Arts, Established on 16 March 1798.

63. Erin, 342.

64. Horatio Nelson (1758-1805).

۶۵. جبرتی، ۴۱۰/۲.

66. McLynn, 179.

67. McLynn, 189; Roberts, xx; Dwyer, 442.

تأثیر سفرنامه ولنی بر عملکرد فرانسویان در مصر

ولنی در سفرنامه خود کوشیده تا اطلاعاتی دقیق و گوناگون از مشاهدات و یافته‌هایش در مصر را ثبت و ضبط کند. اقامت هفت ماهه وی در این سرزمین بیشتر در دو شهر اسکندریه و قاهره بوده است. ولنی گزارش سفرش را با وصف اسکندریه آغاز کرده و در آن از تصاویری یاد کرده که درباره این شهر، در کتاب‌های دیگر دیده بوده است. او این تصاویر را با این توضیح که گویای واقعیت نیستند و نشانی از ظرافت و زیبایی در آنها نیست،^{۶۸} مبهم و ناکارآمد می‌داند. ولنی در توصیف شهر قاهره نیز به معماری زیبای آن اشاره کرده و نقشه‌های نیبور را که در ۱۷۶۱ تهیه شده‌اند، به سبب تغییرات بعدی شهر قاهره نیازمند بازنگری دانسته است.^{۶۹} هم‌چنین وی در شرح آثار به جای مانده از اهرام، به اختلاف اندازه آنها و گزارش‌های متفاوت مسافران درباره آنها اشاره کرده و توصیه کرده است تا کاری دقیق درباره سنجش ارتفاع آنها انجام شود.^{۷۰} ظاهراً همین اشارات ولنی به تصاویر، تغییرات شهر قاهره و اختلاف نظر درباره ارتفاع اهرام، سبب شد تا ناپلئون تعداد زیادی از نقاشان، معماران و نقشه‌برداران را با خود همراه کند؛ از آن جمله می‌توان به افرادی چون چارلز لوئیس بالزاک،^{۷۱} لوئیس الکساندر دو کورانسز^{۷۲} و دومنیک تستوود^{۷۳} اشاره کرد. ولنی بخشی از سفرنامه‌اش را به وضعیت فیزیکی مصر، رود نیل و پهنای جلگه و مشکلات متعدد آن اختصاص داده و به ناکامی بسیاری از دولت‌مردان در سامان دادن به این مشکلات اشاره کرده است.^{۷۴} وی رود نیل و تنگه سوئز را در اقتصاد مصر مؤثر توصیف کرده و گفته

68. Volney, 4-17.

69. Ibid, 214-216.

70. Ibid, 192-194.

71. Charles-Louis Balzac, (۱۸۲۰-۱۷۵۲)، نقاش و معمار.

72. Louis Alexandre de Corancez, (۱۸۳۲-۱۷۷۰)، نقشه‌بردار.

73. Dominique Testevuide, (۱۷۹۸-۱۷۳۵)، مهندس جغرافیا.

74. Volney, 17-20.

است که گذر از این تنگه برای رسیدن به هند از مسیر دماغه امیدنیک بسیار کوتاه‌تر است؛^{۷۵} با این حال وضع نابسامان و هزینه هنگفت به‌سازی آن که در حدود ۵۰۰۰۰۰۰ لیره است، مانع از بهره‌برداری بهینه از آن شده است. وی در جای‌جای گزارش خود به ضعف زیرساخت‌هایی مانند راه‌ها و بندها و پل‌های مصر و فقدان دانش مهندسی برای ساخت و ساز، اشاره کرده است.^{۷۶} به نظر می‌رسد که ناپلئون بر اساس همین گزارش‌های راهبردی ولنی، بسیاری از متخصصان رشته‌های مختلف چون مهندسان راه‌سازی و پل‌سازی، مهندسان صنایع دریایی را با خود همراه کرد تا با توجه به اهمیت این آبراهه آن را تعمیر کنند و بتواند از راه‌های مصر برای اهداف سیاسی نظامی خویش استفاده کند. ولنی با توجه به مطالعاتی که پیش از سفر درباره مصر و سرزمین‌های عربی داشته به موضوعاتی که دیگر سیاحان اروپایی پیش از وی نیز به آنها توجه کرده بودند،^{۷۷} مانند بادهای مصر و اثرات آنها اشاره کرده است؛ برای مثال ولنی با ذکر نام کارستن نیبور^{۷۸} به نقل و بررسی گزارش‌های وی درباره بادهای پرداخته است. او درباره مهم‌ترین بادهایی که در گزارش‌های اروپاییان پیش از خود ذکر شده، اطلاعاتی به دست داده و معادل‌های محلی آنها را ثبت کرده است.^{۷۹} ولنی با گزارش دقیقی که از آب و هوا و درجه حرارت نواحی مختلف مصر ارائه داده، این امکان را برای دیگر سیاحان فراهم آورده است تا برای سفر به این مناطق همه جوانب را در نظر داشته باشند. وی حتی به ساعاتی از روز که با احوال اروپاییان سازگار نیست؛ اشاره کرده است.^{۸۰} به نظر می‌رسد توضیحات وی درباره وضع آب و هوا، در تعیین زمان حمله ناپلئون به مصر بی‌تأثیر نبوده است؛ جبرتی، مورخی که خود شاهد حضور فرانسویان در مصر بوده، برخاستن گرد و غبار و موج شدن رود نیل در روز حمله فرانسویان را از اسباب غلبه آنها بر

75. Ibid, 192.

76. Ibid, 203.

77. Ibid, 53.

78. Carsten Niebuhr (1733-1815).

79. Volney, 55.

80. Volney, 61-62.

مصریان ذکر کرده است.^{۸۱}

ولنی وضع سیاسی مصر را بر اساس تنوع نژادی ساکنان آن یعنی عرب‌های روستایی، عرب‌های بدوی یا شبانان، قبطیان، ترکان و ممالیک تشریح کرده است. او در این بخش کوشیده به تفاوت‌های نژادی و منشأ هر نژاد و جمعیت آنها، وضع اشتغال آنها به پیشه‌های مختلف و نیز طبقات اجتماعی هر یک اشاره کند.^{۸۲} براساس همین اطلاعات، باستان‌شناسانی که ناپلئون را همراهی می‌کردند، در پی بازیابی هویت مصریان اصیل برآمدند و با کشف مومیایی‌ها و آزمایش بر روی آنها به نظریاتی نیز رسیدند. هم‌چنین ولنی در سفرنامه‌اش به ظرایف فرهنگ عامه از جمله داستان‌هایی که مصریان درباره تاریخشان نقل می‌کنند و از آنها برای سرگرمی‌های شبانه خویش الهام می‌گیرند، توجه کرده است.^{۸۳} گفته می‌شود این دست گزارش‌ها سبب شد تا ناپلئون، ادیبان، لغت‌شناسان و نویسندگانی چون آنتوان آرنو وینسنت،^{۸۴} فرانسوا آگوست پارسوال^{۸۵} و دومینیک ویوانت دنون^{۸۶} و شماری نقاش را به همراه ببرد؛ جبرتی اظهار شگفتی کرده است که این نقاشان فرانسوی از هر چیز و حتی آدم‌ها، تصاویری می‌کشیدند.^{۸۷}

ولنی بر اساس کتابخانه شرقی بارتلمی هربلو^{۸۸}، به تاریخ مصر از زمان امپراطوری روم تا فتح اسلامی و سپس دوره‌های والیان اموی، عباسی، خلفای فاطمی و سلاطین ایوبی و مملوک به اختصار پرداخته است.^{۸۹} در گزارش‌های جبرتی درباره هیأت همراه ناپلئون آمده است که آنها کتب فراوانی با خود به مصر آورده بودند که بخشی از آنها درباره تاریخ،

۸۱. جبرتی، ۱۸۹/۲.

82. Volney, 67-90.

83. Ibid, 69.

84. Antoine-Vincent Arnault (1766-1834).

85. François-Auguste Parseval-Grandmaison (1759-1834).

86. Dominique Vivant Denon (1747-1825).

۸۷. جبرتی، ۲۳۵/۲.

88. Barthélemy d'Herbelot de Molainville, (1625-1695).

89. Volney, 90-104.

به ویژه سیره پیامبر اسلام و تاریخ دیگر سرزمین‌های اسلامی بود. از نکات جالب توجه برای جبرتی مصور بودن این کتب بوده است.^{۹۰} سپس ولنی در بخشی به سرگذشت علی بیگ، فرمانروای آن زمان مصر، پرداخته و اشاره کرده است که هم‌زمان با نگارش این بخش از سفرنامه، آقای ساواری هم جلدی جدید از سفرنامه مصر خود را منتشر کرده که می‌توان مطالب مشابهی را در آن یافت.^{۹۱} گزارش ولنی حاکی از بی‌تدبیری علی بیگ برای مقابله با اوضاع بحرانی و نابسامانی بود که در آن زمان گریبان مصر را گرفته بود؛ جبرتی به هنگام شرح اقدامات علی بیگ، این وضع را تأیید کرده و اوضاع را چنان آشفته توصیف کرده که به نوشته او، حاکمان حتی از فرستادن جاسوسی برای کسب اطلاع از وضعیت ارتش فرانسه غافل شده بودند.^{۹۲} در بخش‌های بعد، ولنی به موضوعاتی چون وضعیت لشکر مملوکی از نظر نوع لباس، خدمه، سلاح، آموزش و تمرین‌ها، هنرهای رزمی، انضباط و... پرداخته است؛ هم‌چنین وی به حکمرانان محلی مملوکی و وضعیت مردم به ویژه در قحطی‌های آخرین سال‌های قبل از سفرش به مصر توجه کرده است.^{۹۳} بی‌گمان این گزارش‌ها در تجهیز لشکر ناپلئون مؤثر بوده است؛ زیرا ولنی در فصول بعد نیز از ضعف ارتش مصر به‌ویژه در مرزهای دریایی اطلاعاتی به دست داده است؛ مانند آن‌چه درباره گمرک دریایی نوشته و ذکر برخی جزئیات مهم، مثل این نکته که فقط منطقه جبیل و بترون را دارای تجهیزات مناسب دیده است.^{۹۴} اطلاعات ولنی با آن‌چه جبرتی از نحوه ورود فرانسویان آورده و این‌که مصریان نتوانستند در برابر آنها مقاومت کنند، مطابقت می‌کند.^{۹۵} وضع هنرها و پیشه‌ها، تجارت،

۹۰. جبرتی، ۲/۲۳۴.

91. Volney, 105.

۹۲. جبرتی، ۲/۱۸۲ و ۱۸۸.

93. Volney, 150-175.

94. Ibid, 262.

۹۵. جبرتی، ۲/۱۷۹-۱۸۱.

تأثیر تنگه سوئز در تجارت منطقه‌ای،^{۹۶} چگونگی اخذ گمرکات و مالیات، به‌ویژه از تجار فرانسوی مقیم در قاهره، از دیگر موضوعاتی است که ولنی کوشیده جدیدترین اطلاعات را درباره آنها ثبت کند. این اطلاعات سبب شد تا فرانسویان با ورود به مصر و پس از تأسیس دیوانی برای آن، به تنظیم نحوه مالیات‌گیری بپردازند. بنا به گزارش جبرتی، آنها مالیات‌ها را در سه سطح تنظیم کردند و حداقلی را برای معافت از مالیات در نظر گرفتند که واکنش‌های متفاوتی در میان مصریان به دنبال داشت و برخی آن را پسندیدند.^{۹۷} ولنی پس از شرحی درباره شهر قاهره و جمعیت آن، به وضعیت سلامت در مصر پرداخته و به بیماری‌های رایج چون کوری، آبله، جوش‌های پوستی و طاعون اشاره کرده است.^{۹۸} ولنی می‌گوید اطباء مصری درباره این بیماری‌ها شناخت دقیقی ندارند و باید برای این مشکلات راه حلی اندیشید. شاید بر اساس همین اطلاعات، ناپلئون پزشکان و جراحانی را با خود همراه آورد تا به وسیله خدمات آنها بتواند در جامعه مصر نفوذ بیشتری کسب کند.^{۹۹} هم‌چنین گفته می‌شود با توجه به آن که ولنی از پوشش گیاهی مصر و تنوع آنها سخن به میان آورده،^{۱۰۰} ناپلئون تصمیم گرفت برای شناسایی این گیاهان، گیاه‌شناسانی را با خود به مصر بیاورد. ولنی برای نشان دادن اعتبار اطلاعاتش درباره مصر، در بخشی از سفرنامه‌اش با عنوان «آیا مصر کشور دلچسبی است؟» سعی کرده نشان دهد، گزارش‌های سیاحانی که پیش از وی به مصر سفر کرده بوده‌اند به‌گونه‌ای اغراق‌آمیز بوده است.^{۱۰۱}

ولنی از طبقات جامعه مصر هم سخن به میان آورده و یادآور شده که طبقات محروم، به دلیل فقر، در اعتقادات مذهبی ضعیف شده‌اند؛ چنان‌که به نوشته او برخی از پرداخت

۹۶. جبرتی (۲۱۴/۲) از وابستگی حیات و آبادانی مصر به آب راه میان دریای سیاه و دریای سرخ سخن گفته است.

۹۷. جبرتی، ۲۱۸/۲.

98. Volney, 217-234.

99. Édouard, 368.

100. Volney, 61.

101. Ibid, 240-244.

زکات خوداری می‌کردند؛ چون اساساً اغلب مردم چیزی نداشتند و روزه نیز نمی‌گرفتند، چون در طول سال چیزی برای خوردن در دسترسشان نبود.^{۱۰۲} ولنی گزارشی دقیق و روشن از وضعیت اسف‌بار فقر و نداری در مصر ارائه داده است؛ در جایی از سفرنامه‌اش می‌گوید: «دو بینوا را در پای دیوار اسکندریه دیدم که در کنار لاشه شتری با سگ‌ها برای تصاحب آن می‌جنگیدند!»^{۱۰۳} او هم‌چنین به رفتار قضات مصر اشاره کرده است؛ قضاتی که هم‌سو با منافعشان، با طبقات حاکم مراوده داشتند و آراءشان متأثر از این مناسبات بود. ولنی این شیوه را در همه سرزمین‌های شرقی فراگیر دانسته است.^{۱۰۴} با توجه به چنین اطلاعاتی بود که ناپلئون در اعلامیه‌اش خطاب به مصری‌ها، بر اجرای عدالت و بهره‌مندی همه آنها از مواهب الهی تأکید کرده است.^{۱۰۵}

اطلاعاتی که ولنی از ساکنان شهرهای مختلف مصر و شام ارائه داده است، به‌ویژه با تکیه بر نوع گویش عربی آنها، علاوه بر کاربردی که برای دیگر سیاحان فرانسوی یا عموم اروپاییان داشته، در مسائل زبان‌شناختی نیز مورد استفاده قرار گرفته است.^{۱۰۶} ظاهراً توجه وی به مسائل زبان‌شناختی سبب شد تا ناپلئون همراه خود کتب متنوعی بیاورد تا مترجمان از آنها در زمینه ترجمه استفاده کنند.^{۱۰۷}

گزارش‌های ولنی هم‌چنین دربرگیرنده نکات مهمی درباره اقلیت‌های مذهبی نیز بوده است. گزارش‌های وی از وضعیت مسیحیان در مصر سده هجدهم گویای توجه وی به وضعیت دین و مذهب در مصر است؛^{۱۰۸} این عطف توجه، سبب شد تا سفرنامه ولنی به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع درباره اقلیت‌های مذهبی در مصر شناخته شود؛ چنان‌که به

102. Malthus, 131.

103. Volney, 164.

104. Ibid, 127.

۱۰۵. جبرتی، ۲/۱۸۲-۱۸۴.

106. Malthus, 123.

۱۰۷. جبرتی، ۲/۲۳۵.

108. Smith, 234.

سرعت در سده نوزدهم، کتاب‌هایی درباره این موضوع براساس اطلاعات ولنی به نگارش درآمدند.^{۱۰۹} با این حال همه گزارش‌های ولنی را نمی‌توان درست و دقیق دانست؛ زیرا برخی از معاصران او و یا دیگرانی که پس از وی به مصر سفر کرده‌اند، برخی از اشتباهات وی را متذکر شده‌اند.^{۱۱۰}

ولنی، اندیشه و اوضاع مردم در مصر و شام (سوریه) را به تندی نقد کرده و از موضع انفعالی آنها سخن به میان آورده است؛ صحت این مطلب را در گزارش جبرتی از واکنش مردم نسبت به حمله فرانسویان هم می‌توان دید؛ که به گفته وی مردم به جای سلاح برگرفتن و مبارزه کردن، دست به آسمان برداشته و یکسره ذکر می‌گفتند.^{۱۱۱} با این همه تصویر وی از مسلمانان و مردم عرب، کسانی که وی آنها را شرقی می‌خواند، گاه حاوی برخی نکات مشفقانه و همدلانه هم بوده است:^{۱۱۲} «عموما، شرقی‌ها به دلیل ذهنیتی بسیط، بیانی ساده، صراحت بیان در چیزهایی که با آنها آشنا کنید و سبکی پرحرارت و ناآرام، برجسته شده‌اند».^{۱۱۳} وی مشکلات مصریان را نه از آب و هوا یا اوضاع جغرافیایی، که نشأت گرفته از اوضاع سیاسی به‌ویژه نظام استبدادی می‌داند.^{۱۱۴} در مقابل اروپایی‌ها را به خاطر مقابله با استبداد ستایش می‌کند.^{۱۱۵} درحالی که ولنی حکمرانان مصر و سوریه را درباب وضع زنان، خرابی راه‌ها، ویرانی تجارت و افول هنرها سرزنش کرده، نسبت به مردم فقیر، دهقانان ستم دیده و زنان محصورشده در خانه با احترام یاد کرده است.^{۱۱۶} شاید بتوان بازتاب این توصیه‌ها را در رفتار فرانسویان با مردم مصر دید؛ آنان بدون سلاح و با خوش‌رویی در بازار با مردم

109. Keith, 104, 108, 116, 118, 134, 168, 217.

110. Smith, 1810, 117-119.

۱۱۱. جبرتی، ۱۸۹/۲.

112. Singham, 203.

113. Volney, 497.

114. Ibid, 370.

115. Singham, 203.

116. Volney, 481.

رابطه برقرار می‌کردند و اگر کالایی می‌خریدند بهای آن را بیش از آنچه بود، می‌پرداختند؛ یا برای بقاع متبرکه مصریان احترام قائل می‌شدند و حتی برخی از فرانسویان سوره‌هایی از قرآن را حفظ کرده بودند. این نحوه رفتار سبب می‌شد تا اعتماد مردم را جلب کنند.^{۱۱۷} علاوه بر نکات یاد شده، اهداف سیاسی و نظامی ولنی، آنجا که به صراحت فرانسوی‌ها را تشویق کرده که به مصر حمله کنند و اعراب آنجا را برای مقابله با ترکان عثمانی، همراهی نمایند؛ به روشنی بروز یافته است.^{۱۱۸}

نتیجه

سفرنامه‌هایی که در سده هجدهم به قصد جمع‌آوری اطلاعات از ممالک شرقی تهیه می‌شده‌اند، از منابع مفید برای تحلیل رویدادهای آن سده درباره شرق بشمار می‌آیند. در این سده، گزارش ولنی از سفرش به مصر و شام، عمدتاً آگاهی‌های مهمی درباره مصر نسبت به سیاحان پیش از وی در اختیار سیاست‌مداران و نظامیانی چون ناپلئون قرار داد. سفرنامه ولنی از آن دست متون مفیدی است که نویسنده کوشیده تا جدیدترین اطلاعات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی را در آن ثبت و ضبط کند؛ اطلاعاتی از جامعه مصر و ضرورت‌های آن که در کمتر از یک دهه پس از انتشار، راهنمای حمله فرانسوی‌ها به مصر شد؛ افزون بر این، بر همین اساس، فرانسویان موفق شدند ارتباط مناسبی با جامعه مصر برقرار کنند. اگرچه اقامت فرانسویان در مصر چندان طولانی نشد و بیش از سه سال نپایید، در همین مدت، تأثیرات مهمی در جامعه مصری برجای گذاشت؛ چنان‌که این ارتباط، در نخستین مرحله آشنایی مصری‌ها و شرق با اروپای جدید بی‌تأثیر نبوده است.

کتابشناسي

الحسنات، محمد عبد المجيد، صورة سوريا في كتاب الرحالة الفرنسي (فولني)، «الرحلة الى مصر و سوريا (١٧٨٧)»، العلوم الاجتماعية و الانسانية، مجلة دراسات، ٢٠٠٥م.
بدوي، عبدالرحمن، موسوعة المستشرقين، دارالعلم للملايين، بيروت، ١٩٩٣م.
جبرتي، عبد الرحمن بن حسن، تاريخ عجائب الآثار في التراجم و الأخبار، دارالفارس، بيروت، [بى تا].
عقيقي، نجيب، المستشرقون، القاهرة، ١٩٦٥م.
ماله، آلبر، تاريخ قرن هجدهم و انقلاب كبير فرانس و امپراطوري ناپلئون، تهران، دنياى كتاب-نشر علم، ١٣٦٧ش.

همتى گليان، عبدالله، تاريخچه شرق شناسي، انتشارات جهاد دانشگاهي، مشهد، ١٣٨٦ش.

Andrew, Roberts, *Napoleon: A Life*, Penguin Group, 2014.

Asprey, Robert B., *the Rise of Napoleon Bonaparte*, New York, Basic Books, 2000.

Cole, Juan, *Napoleon's Egypt: Invading the Middle East*, New York, Palgrave Macmillan, 2007.

Dwyer, Philip, *Napoleon: The Path to Power*, Yale University Press, 2008.

Édouard, de Villiers du Terrage, *Journal et souvenirs sur l'expédition d'Égypte*, mis en ordre et publiés par le baron Marc de Villiers du Terrage, Paris, E. Plon, Nourrit, 1899, et *L'expédition d'Égypte 1798-1801, Journal et souvenirs d'un jeune savant*, Paris, Cosmopole, 2003.

Gaulmier, Jaen, *L'idéologue Volney*, Beyrouth, Imprimerie catholique, 1951.

Keith, Alexander, *Evidence of the Truth of the Christian Religion, Derived from the Literal Fulfilment of Prophecy: Particularly as Illustrated by the History of the Jews, and by the Discoveries of Recent Travelers*, Waugh and Innes, University of Lausanne, 1883.

Leopold, Joan, *the Prix Volney: Its History and Significance for the Development of Linguistic Research*, Kluwer Academic Publishers, 1999.

Malthus, Thomas Robert, *An essay on the principle of population: or, A view of its past and present effects on human happiness;*

- with an inquiry into our prospects respecting the future removal or mitigation of the evils which it occasions, Vol.1, J. Murray, 1826.
- McLynn, Frank, *Napoleon*, Pamlico, 1998.
- Michaud, Louis Gabriel, *Biographie universelle ancienne et moderne*, 2e éd., SAVARY (Claude-Etienne), 1843.
- Napoléon, Bonaparte, *Courier de l'Egypte*, Imprimerie nationale, N. 33, le 3 thermidor, vii. Année de la republique, 1798.
- Pouillon, François (ed.), *Dictionnaire des orientalistes de langue française*, IISMM & Karthala, Paris, 2008.
- Said, Edward, *Orientalism*, London, Penguin, 2003.
- Sarga, Moussa, "Orientalisme et ideologie, La representation d'Alexandrie chez Volney et Denon", *Le Moment ideologique, Litterature et sciences de l'homme*, ENS Editions, 2013.
- Siliotti, Alberto, *the Discovery of Ancient Egypt*, Edison, NJ: Chartwell Books, 1998.
- Singham , Shanti, "From Cosmopolitan Anti-Colonialism to Liberal Imperialism: French Intellectuals and Muslim North Africa in the Late Eighteenth and Early Nineteenth Centuries", *Into Print: Limits and Legacies of the Enlightenment; Essays in Honor of Robert Darnton*, Walton, Charles , (ed.), Vol.15 of Penn State Series in the History of the Book, Penn State Press, 2011.
- Smith, James, *The Christian's Defence: Containing a Fair Statement, and Impartial Examination of the Leading Objections Urged by Infidels Against the Antiquity, Genuineness, Credibility and Inspiration of the Holy Scriptures*, Enriched with Copious Extracts from Learned Authors, Princeton University, J. A. James, 1843.
- Smith, Samuel Stanhope, *an Essay on the Causes of the Variety of Complexion and Figure in the Human ...*, J. Simpson and Company, 1810.
- Spieth, Darius Alexander, *Napoleon's Sorcerers: The Sophisians*, Associated University Presse, 2007.
- Tarbell, Ida M.(ed.), *Napoleon's Addresses: Selections from the Proclamations, Speeches and Correspondence of Napoleon Bonaparte*, Boston, Joseph Knight, 1896.

- Thibaudeau, Antoine-Claire, *Histoire Générale de Napoléon Bonaparte: De Sa Vie Privée Et Publique*, Vol.4, Ponthieu et Comp, 1827.
- Thompson, E.P, *Witness against the Beast: William Blake and the Moral Law*, Cambridge University Press, 1993.
- Volney, C.F. (Constantin-François), *VOYAGE EN ÉGYPTÉ ET EN SYRIE, PENDANT LES ANNÉES 1783, 1784 ET 1785, SUIVI DE CONSIDÉRATIONS SUR LA GUERRE DES RUSSES ET DES TURKS*, 1789.